

## خوبستنداری نیروی انتظامی در مقابله با اغتشاشگران در دو ماه گذشته در عین اقتدار و صلابت ناجا صورت گرفته است

# دیوار همیشه کوتاه‌ناجا



### ◀◀ مبارزه با مواد مخدر

همجواری ایران با کشورهای جرم‌خیز چون پاکستان و افغانستان و همچنین فرار گرفتن در چهارراه‌جمهوری‌ترانزیت،مویداین نکته‌است که ایران موردتوجه‌ترین مسیر انتقال موادمخدر تولیدشده در این دو کشور شرقی‌است وپلیس مبارزه‌باموادمخدر جایگاه ویژه‌ای در این عرصه دارد. آمارهانشان می‌دهد،عملکرد ناجا در برخورد با قاچاقچیان موادمخدر نقش بسزایی در کنترل و پیشگیری این مساله داشته است. سردار مومنی، جانشین فرماندهی ناجا می‌گوید: به‌عنوان یکی از موفقیت‌های پلیس می‌توان به اقدامات موثر در مبارزه‌هم‌جانبه با معضل قاچاق و ترانزیت موادمخدر به‌خصوص از مرزهای شرقی کشور اشاره کرد. وی، کشف‌بیش از ۳۵۰ تن انواع موادمخدر در نیمه‌اول سال ۹۶ و به‌عنوان نمونه‌ای از این اقتدار نام می‌برد می‌گوید در همین زمان بیش از ۵۸ نفر از قاچاقچیان و اشرار مسلح مجروح و به‌هلاکت رسیده‌اند. ۱۶ شهید در سال ۹۶ نتیجه درگیری نیروی انتظامی با قاچاقچیان مواد مخدر بوده است.

سایر دراویش نه «تبلیغ علیه نظام» کرده‌اند، نه «تشویش اذهان عمومی» و نه مرتکب «جاسوسی» شده‌اند یا اقدام علیه امنیت کشور» انجام داده‌اند. جرم واقعی آنها که از همه اینها بدتر است: تمکین نکردن از قرائت حکومتی از مذهب است.

اینها همه اظهارنظرهایی است که اگر هم‌زمان با سخنان وزیر کشور مورد ارزیابی قرار گیرند بیشتر به چشم می‌آیند. رحمانی فضل‌ی، وزیر کشور در مصاحبه‌ای با ذکر این نکته که «مسائل و موضوعاتی که رخ داده را نباید به یک جریان بسیار بزرگ اجتماعی به نام دراویش عمومیست داد»، گفته است: «در هر کدام از افسار و گروه‌ها افرادی هستند که در جای آنکه به قانون متوسل شوند، اقدامات خود را بر وی قانون می‌دانند. در این زمینه رسانه‌های خارجی به ویژه برخی از کانال‌های فضای مجازی و سایت‌ها این موضوع را به گونه‌ای مطرح کرده‌اند که به جریان درویش در کشور منتسب شوند… جریان دراویش کشور جریانی عاقلانه، منطقی و معتدل می‌نامیم و به هیچ‌وجه حوادث خیابان پاسداران را به این جریان منتسب نمی‌کنیم.» برخی در این زمینه البته پا را فراتر می‌هم می‌گذارند و این اظهارنظرهارادار کنار سخنان چندتوق پیش‌حسن‌روحانی گذاشته و اظهارنظر می‌کنند که رئیس‌جمهور به‌عنوان مقام بالادستی مدیریت بحران و اغتشاش در کشور با چه استدلالی مقابل آشوب‌های سازماندهی شده به‌فرماندهی نیروی انتظامی دستور داده که بدون سلاح به میدان مقابله بازترویست‌های حرفه‌ای حاضر در صحنه‌اغتشاشات برود؟

#### سخنگوی کمیسیون امنیت ملی:

### ناجا مجری دستورات مسئولان امنیتی است



خاطره شهدای سبزپوش نیروی انتظامی که مظلومانه وبی گناه به شهادت رسیده‌اند و همچنین شهیدسیچی که مظلومانه در این اتفاقات به شهادت رسید، باید گفت که نیروی انتظامی همواره مجری فرمان شُورای عالی امنیت، شورای امنیت کشور و مسئولان بالادستی امنیتی است، بنابراین نیروی انتظامی راساتصمیمی در این زمینه‌ها نمی‌گیرد و لذا وقتی به نیروی انتظامی ابلاغ می‌شود با گفت‌وگو و مذاکره مسالمت‌آمیز موضوع مدیریت شود، نیروی انتظامی هم دستور را اجرا می‌کند.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در ادامه این گفت‌وگو با اشاره به اینکه «عملکرد نیروی انتظامی در جریان اغتشاشات و آشوب‌هایی که طی یکی دو ماه گذشته در کشور رخ داده نشان می‌دهد که فرماندهان این نیرو در اجرای دستورات نهایت تلاش را داشته‌اند»، گفت: انصافا در مقابله با حوادث خیابان پاسداران نیروی انتظامی با درایت و مردم‌دaranه و از طریق گفت‌وگو و مذاکره کار را مدیریت کرد چون نمی‌خواست به شهروندان خسارتی وارد شود یا جان کسی تهدید شود. برای نیروی انتظامی برخورد با این افراد کاری نداشت، خیلی راحت می‌توانست از قوه قهریه استفاده کند و نیم ساعت همه را جمع کند ولی قطعا پیش‌بینی می‌شد تلفاتی داده شود و مشکلاتی برای شهروندان ایجاد شود و امنیت آنها تهدید شود. به همین جهت سعی داشت بدون درگیری، تنش و بدون استفاده از سلاح، ماجرا را مدیریت کند، منتهای طرف مقابل بنا را بر خشونت، درگیری، اوباش‌گری و برخوردهای داغش گذاشت حتی به توافقی که کردند عمل نکردند. لذا معتقدم براساس مستندات عملکرد نیروی انتظامی انصافا عملکردی صادقانه و مصمم بود و با همه تلاش در جهت جمع کردن موضوع بدون خسارت به مردم و ایجاد مشکلات بود.

نقوی حسینی در پاسخ به سوالی درخصوص علت مماشات نیروی انتظامی با اوباش که موجب به شهادت رسیدن پنج تن از نیروهای انتظامی و بسیج شد، گفت: نیروی انتظامی یک‌سری دستورالعمل دارد که به نیروهای خود آن دستورالعمل‌ها را ابلاغ کرده است. آنها مطابق این دستورالعمل‌ها رفتار می‌کنند. مثلا اگر حمله به پاسگاه نیروی انتظامی شد، نیروی انتظامی مقابله می‌کند ولی بیرون از این بخش، تابع تصمیماتی است که مقامات امنیتی می‌گیرند.

### ◀◀ تامین امنیت

از ملزومات حیات توام با آرامش و ادامه زندگی در یک جامعه: تامین امنیت آن است، مسئولیتی بزرگ که نیروی انتظامی آن را بر دوش می‌کشد. «پلیس برای امنیت، ادبکال برای همه» از شعارهای اصلی نیروی است که سال‌هاست در مقابل تهدیدات، اغتشاشات و آشوب‌هایی که در نقاط مختلف کشور صورت گرفته از امنیت مردم حمایت می‌کند و در مقابل بسیاری از چالش‌ها و شورش‌هایی که بعضا منشأخارجی هم داشته‌ایستاده،تلفات داده‌ولی نگذاشته که مردم کشور آسیب‌ببینند. ایستادگی در مقابل آشوب دراویش گنابادی، اغتشاشات منافقین در ابتدای دی ماه و وقایع بزرگی چون فتنه ۸۸ و ۷۸ بخشی از نمایش اقتدار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است. نیرویی که به گفته سردار حسین اشتری ۱۴ هزار شهید، بیش از ۳۰ هزار جانباز و دو هزار آزاده تقدیم انقلاب کرده است. لازم به ذکر است ناجا برای تامین امنیت مردم در سال ۹۶ تعداد۳۴ شهید تقدیم انقلاب کرده‌است.

آنها می‌گویند مماشات با مساله «اعتراض» که طبیعی و قابل مشاهده در بسیاری از جوامع است با خوبستن داری در مقابل حرکت‌های رادیکال و ریشه‌دار خارجی متفاوت بوده و نمی‌توان با هر دو به یک مدل رفتار کرد.

در این مورد البته نباید هوشمندی و تمرکز پلیس در وقایع اخیر را از نظر دور کرد، چراکه همین انعطاف باعث شد که میزان خسارات‌ها کمتر از وقایع مشابه در غرب باشد و پلیس شهید بدهد اما از جماعتی که اگر در برخی کشورهای خارجی به خیابان می‌آمدند ده‌ها کشته‌وزخمی می‌داندن، حتی یک نفر تلفات گرفته نشود؛ نباید فراموش کرد که عمق این ماجرا آنقدر گسترده بوده که هشدارهای حقوقی و قضایی ای که تلقی اقدام علیه امنیت ملی را از آشوب دراویش دارند باعث شده که حتی لیدر این فرقه با بیانیه‌ای نیم‌بند تلاش کند خود را از میدان یک آشوب چریکی کنار بکشد و نگذارد که تبعات حقوقی و امنیتی این اقدام طرح‌ریزی شده برسرش آوار شود، با این حال پلیس خوبستن داری کرده است.

سردار حسین رحیمی، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ در این زمینه با تاکید بر اینکه «ما باید صف مردم را از اغتشاشگران وارادل و معاندان نظم وامنیت‌جدا می‌کردیم» تاکید می‌کند: «در مدیریت اغتشاشات شهری، اصلی‌ترین بخش، ایجاد امنیت و آرامش مردم است و در این مورد خاص هم متخیریم که نیروی انتظامی اجازه نداد قطره‌ای خون از بینی شهروندی ریخته‌شود… درایت و رفتار مدبرانه را نباید مماشات معنی کرد، ما می‌توانستیم با یک آری‌چی مثل

#### عضو کمیسیون امنیت ملی:

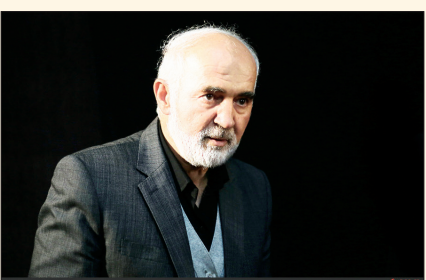
### ناجا کتک‌خور برخی مشکلات در کشور شده



به آنکه بنده از نزدیک شاهد قضایای آنجا نبودم فعلا نمی‌توانم قضاوت مشخصی در این زمینه داشته باشم و ارزیابی نهایی منوط به مشاهده اسناد و فیلم کامل اتفاقات آن روز است. «وی با تاکید بر اینکه ناجا تبدیل به کتک‌خور یک‌سری مشکلات و اختلافات در ایران شده است، گفت: «شاهد بودیم تعدادی از مأموران نیروی انتظامی مظلومانه شهید شدند و در گذشته هم چنین بود.» به گفته این نماینده، حتی باوجود آنکه ناجا بیشترین مماشات را هم انجام می‌دهد هزینه بحرانی شدن اختلافات را این مجموعه پرداخت می‌کند. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در ادامه خاطرنشان کرد: «معتقدم باید بحثی ریشه‌ای در موضوع فرق انجام دادو نباید به گونه‌ای عمل شود که بحث فرق تبدیل به موضوعی امنیتی شود.» وی تصریح کرد: «اینجا جزئی از مردم ایران هستند و شرایط خاص عقیدتی و مذهبی دارند. لذا باید به گونه‌ای مدارا و رابطه‌ای خاص شکل گیرد که به تولید بحران منتهی نشود.» فلاح‌ت‌پیشه تکالیف زیاد ناجا و هزینه‌ای را که برای آن می‌شود نامتناسب دانسته و گفت: «نیروی انتظامی جزء مظلوم‌ترین کارکنان دولت است، حقوق و مزایایی که می‌گیرند به هیچ‌وجه کفاف زندگی، قاطبه آنها را نمی‌دهد. در سخت‌ترین شرایط وظیفه خود را انجام می‌دهند، به‌خصوص سربازان که سرانه قابل تعریف و تاییدی نیست.» به گفته این نماینده، ردیف بودجه‌ای که به ناجا داده می‌شود کفاف هزینه‌های آن را نمی‌دهد و این در حالی است که بخش عمده‌ای از تکالیف برعهده آنهاست و اینها مجموعه واقعیاتی است که باید دیده شود. وی یادآور شد: «با اینکه نسبت به سالم‌سازی نیروی انتظامی و حوزه‌های ماموریتی آنها اعتقاد دارم ولی معتقد هستم در زمینه‌های معیشت و حقوق و مزایا، علاوه بر ردیف‌های خاص، در بودجه ناجا باید تقویت صورت گیرد چراکه این ضعف هم‌اینک وجود دارد.» فلاح‌ت‌پیشه در ادامه تصریح کرد: «من معتقدم در کل ناجا کم نگذاشته و با کمبودهایی که وجود دارد به خوبی در راستای امنیت کشور گام بر داشته است، آن هم کشوری که عوامل ناامن‌ساز از بیرون تلاش دارند آن را ناامن کنند. بررسنل ناجا زحمت‌ زیادی را متحمل می‌شوند. البته ضعف‌هایی وجود دارد که قابلیت جبران دارد. باید موضوع را بررسی کرد و بهتر است به این بحث‌ها خاتمه دهیم و این موضوعی که الان شکل گرفته سریع تر حل شود.»

### اصل مطلب

#### ◀ تصحیح ۲ برداشت



احمد توکلی که به تازگی داغدار فوت فرزندش شده، در کانال تلگرامی شخصی اش نوشته: «متأسفانه در برخی از رسانه‌ها به اشتباه از سرب‌ی توچه‌ی، علت فوت مرحوم محمد توکلی، عوارض پیوند کبد اعلام شده که درست نیست.» توکلی تاکید کرده که «فوت هیچ ارتباطی با وضعیت کبدوی نداشت، بلکه با آمبولی بعد از عمل به‌طور غیرمنتظره به حالی افتاد که طبیبان با وجود کوشش بسیار نتوانستند نجاتش دهند. این حادثه گرچه برای ما دردناک بود ولی چیزی از قدر این گروه و بیمارستان‌ها نمی‌کاهد. خدا کثر شاید این گفته درست باشد که بیمارستان تازه‌تاسیس بوعلی سینا به تجهیز بیشتری از حیث انسانی و فناوری نیازمند است.» وی همچنین به دلیل حفظ حق هنرمندی عکاس همنام با فرزند مرحومش گفته در برخی از مراسم و رسانه‌ها ایشان به‌جای مرحوم محمدتوکلی که هنرمندی گرافیست بود به اشتباه عنوان شده است.

## ادامه از صفحه یک

دولتمردان کنونی و نخبگان معروف به معتدل اعم از جریان دولت در نگاه به جهان امروز مشاهده می‌کنند کشورهایی با پارامترهایی بسیار منفی‌تر از ایران در دل نظام اقتصادی و سیاسی جهانی پذیرفته شده‌اند. کشورهای پادشاهی با جامعه‌ای بسته و تا حدود بسیار بالایی فاقد جامعه مدنی، بدون وجود هیچ سازوکار مشخصی در تحرک سیاسی و اجتماعی و با سیستم گردش نخبگانی بسیار بدوی و تا حدود بسیار زیادی ناموجود، در جهان پذیرفته شده‌اند اما دولت تدبیر و امید در کشوری با شرایطی به‌مراتب بهتر از لحاظ پارامترهای یادشده، به هر دری می‌زند، بسته است. این نخبگان اکنون به‌جد به‌دنبال تسهیل شرایط برای عربستانیزه کردن ایرانند به‌نوعی که هم ساختار گردش نخبگان در انحصار آنها باقی بماند؛ چیزی که مطمئن هستند برای قدرت‌برای جهانی در اولویت نیست و هم‌با پذیرش ایران و عادی کردن شرایط برای اقتصاد آن در سطح جهانی، امکان حکومت کردن و اداره‌ی وی درسرد ساده کشور برای آنها فراهم شود. هم‌بمانند هم از سوی دیگر بتوانند به ادامه دهند. به نظر این نخبگان در این شرایط جایزه آنها برای زدودن وجوه ایدئولوژیک از حکمرانی در ایران خواهد بود. در این بهشت برین پیش رو، به‌واسطه موازنه اقتصادی و روابط و منافع متقابل اصولا نیازی به باززندگی نظامی مسلح بالا و به‌خصوص توان موشکی وجود نخواهد داشت، لذا توقف برنامه موشکی ایران به نحو مطلوبی قابل مذاکره و کنار نهادن خواهد بود. فقط می‌ماند مسائل منطقه‌ای و چالش‌های ایران با اسرائیل و کشورهای منطقه که به‌عنوان هزینه‌های پذیرش در دهکده جهانی به‌احتی قابل تامین خواهند بود. به‌عبارت ساده‌تر قسمت عمده‌ای از نخبگان موجود در دایره افراد مجاز به شراکت در قدرت، البته به جز نظامی‌ها، در این معامله منتفع خواهند بود، لذا بی‌میل به پیشبرد این سازوکار نیستند؛ سازوکاری که نظام کنونی با انجام تغییرات گسترده ولی بی‌ربط به دایره افراد مجاز و بی‌حفظ ساحت یگارشیک خود خدای می‌ماند و به عضو مطیع در نظام تقسیم کار جهانی تبدیل خواهد شد. استراتژی‌ای که می‌شود از آن با نام استراتژی هم خدا و هم خرما یاد کرد. البته باین علم که دیگر فقط تولیدکننده نفت بودن برای محتاج شدن جهان به ایران کافی نیست و باید در شرایط جدید نهای بزرگی برای پذیرش دوباره در عرصه تقسیم کار جهانی پرداخت. درس بزرگ برجام به نخبگان کنونی همین است. اینکه دیگر به‌سادگی نمی‌توان در شرایطی که عرضه نفت بیشتر از تقاضای آن است با باقی جهان وارد وابستگی متقابل اقتصادی شد و برای نیل به این مقصود نیاز به مجوزهایی است که از مسیر برجام‌های دیگر گذر خواهد کرد.

اما این نخبگان در این مسیر برجام‌های دیگر با مشکلات بزرگ و بنا بر آنچه اکنون مشخص شده است، غیرقابل تغییر می‌آیند. مادام‌عان ساختار ارزشی و ایدئولوژیک نظام نخبگان نظامی قدرت‌بالایی دارند و به‌راحتی با استراتژی هم خدا و هم خرما می‌تجدیدنظر طلبان همراه نمی‌شوند؛ چراکه حذف آنها و تعیین‌کنندگی شان یکی از تضمیناتی خواهد بود که این تجدیدنظر طلبان باید به قدرت‌های جهانی بدهند. آنها خودموضوع اصلی برجام‌های چشم‌داشتی جهان‌گرند و حتی فرآغ از انگیزه‌های بسیار قوی عقیدتی و فقط با تمرکز به منافع هم‌این گروه‌راهی جز مقاومت در برابر استراتژی هم خدا و هم خرما نخواهند داشت. آنها نمی‌خواهند که قربانی اصلی عافیت‌طلبی نخبگان تجدیدنظر طلب کنونی باشند.

با این اوصاف کوتاه‌مدتی منافع برجام و رو به پایان بودن تعلیق تحریم‌ها توسط آمریکا آن گونه که از اولتیماتوم ترامپ برمی‌آید نه یک چالش برای جریان تجدیدنظرطلب بلکه یک فرصت برای آنهاست و از سوی دیگر این تهدیدی اساسی برای وفاداران به ایده‌های انقلاب اسلامی است. سخن گفتن از راه‌های گریز از تبعات عدم موفقیتت برجام که نه یک احتمال بلکه یک امر واقع است- رجوع شود به اظهارات اخیر عباس عراقچی - مهم‌ترین کاری است که دوستداران وجه ارزشی و انقلابی جمهوری اسلامی باید بکنند. برای انقلاب مهم‌ترین کار آغاز گفت‌وگو با مردم و باز کردن مشث یگارش‌های طمعکاری است که در استراتژی خود هیچ بهایی به مردم و آینده و خواست آنها نداده‌اند و فقط بقای خود در قدرت و دوام حکمرانی خود و خانواده‌هایشان و صاحبان ژن‌های برتر را لحاظ کرده‌اند. راهی که با بی‌عملی آگاهانه از افزایش فشار مجدد بر مردم عبور خواهد کرد و به مسلخ‌برنده عدالت‌اجتماعی و ایده‌های ضدخاندانی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ برای همیشه خواهد بود.